

سیر تحولی حقوق پزشکی در ایران

(تاریخ دریافت ۱۳۹۶/۱۲/۲۲ ، تاریخ تصویب ۱۳۹۷/۰۴/۰۸)

ژیلا محمودی

کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی

چکیده

در شکل‌گیری حقوق پزشکی دو عامل اخلاق و مذهب نقش چشم‌گیری ایفا می‌کنند. دو نیرویی که بی‌گمان باید در زمره نیروهای سازنده حقوق آورد؛ نیرویی که همیشه کارساز و پرتوان است و گاه بر همه عوامل دیگر غلبه می‌کند. در میان قواعد حقوقی موجود نیز بسیار است آنها که به اصول اخلاقی و مذهبی بیش از عوامل اقتصادی ارتباط دارد. مسئولیت پزشکی، عبارت است از مسئولیت قضایی، قانونی، حقوقی و کیفی پزشکی یا خدمات دهنده درمانی در برابر بیمار یا دریافت‌دارنده خدمات درمانی، در رابطه با هرگونه کوتاهی و خطا، اعم از عمدی و سهوی در درمان یا اقدامات درمانی و افشاء اسرار و اطلاعات پزشکی بیمار. در این نوشتار ابتدا به تعریف مسئولیت و بررسی سیر تحولی حقوق پزشکی به طور کلی پرداخته شده است. سپس به بیان ماهیت و چیستی مسئولیت پزشکی و اقسام آن به عنوان مبحث اساسی و مهم در حقوق پزشکی می‌پردازیم. در ادامه به ارتباط مابین اخلاق و حقوق پزشکی و همچنین فقه و حقوق پزشکی اشاره شده و در بخش انتهایی در دو فصل مطالبی پیرامون گستره قوانین در حیطه پزشکی و مبنای آن‌ها در دو دوره زمانی باستان و معاصر در ایران بیان شده است و در نهایت با جمع‌بندی کلی به پایان این پژوهش و مقاله می‌رسیم.

۲۳۹



واژگان کلیدی: مسئولیت، مسئولیت پزشکی، مجازات، ایران باستان، مسئولیت کیفی



بخش اول: کلیات

در این نوشتار بنیادی تحلیلی سعی بر این است که به سوال های نگارنده که شامل سوال اصلی: «سیر تحولی حقوق پزشکی در ایران چگونه بوده است؟» و سوالات فرعی: «حقوق پزشکی در ایران باستان شامل مباحثی بوده است؟» و همچنین «حقوق پزشکی در دوران معاصر شامل چه مباحثی می شود؟» پاسخ داده شود. برای تحریر این مقاله از روش کتابخانه ای استفاده شده است و منابع آن شامل کتب، مقالات موجود در مجلات و سایت های حقوقی می باشد. به طور اجمالی، مسائل مورد بحث شامل: تعریف مسئولیت پزشکی و انواع آن، عناوین مرتبط با حقوق پزشکی در دو بخش فقه پزشکی و اخلاق پزشکی، حقوق پزشکی در ایران باستان، و حقوق پزشکی در دوران معاصر می باشد.

بند اول: طرح مباحث کلی پیرامون حقوق پزشکی

مسئولیت در لغت، به معنی پرسش، مورد سؤال واقع شدن و به مفهوم تفکیک وظیفه آمده است.^۱ در اصطلاح؛ عبارت است از تعهد قانونی شخص به دفع ضرر دیگری که وی به وجود آورده است خواه ناشی از تقصیر خود وی باشد یا از فعالیت او ایجاد شده باشد.^۲ مسئولیت در معنای لاتین مترادف عبارت *responsibility* قرار میگیرد که از معنای پاسخگو بودن (*response*) مشتق میشود. در معنای حقوقی و مدنی مسئولیت عبارتست از تکلیف قانونی شخص در عدم وارد نمودن ضرر به دیگری بصورت مستقیم یا غیر مستقیم.^۳ در معنای فقهی و شرعی نیز مسوولیت مترادف با عبارت ضمان بکار گرفته شده است و کسی را که مسوولیت بر ذمه و عهده او قرار میگیرد مسوول یا ضامن مینامند.^۴

۱ - حسن عمید، فرهنگ عمید، انتشارات جاویدان، چاپ یازدهم، تهران، ۱۳۷۵، ص ۹۵.

۲ محمد جعفر جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش، ابن سینا، چاپ اول، تهران، ۱۳۴۶، ص ۶۴۲.

۳ - حمید خلیلی فر، مسئولیت حقوقی پزشک، ۱۳۸۹/۱۰/۱۴.

بند دوم: اقسام مسئولیت قانونی

مسئولیت کیفری مسئولیت مرتکب جرمی از جرایم مصرح در قانون است. همچنین مسئولیتی است که مرتکب عمل مجرمانه علاوه بر عدم اطلاع باید دارای اراده سوء نیت یا قصد مجرمانه بوده، رابطه علیت بین عمل ارتكابی و نتیجه حاصل از جرم باید وجود داشته باشد تا بتوان عمل انجام شده را به مرتکب منتسب نمود. شخص مسؤول به یکی از مجازات های مقرر در قانون خواهد رسید و علاوه باید از عهده خسارت مدعی خصوصی هم برآید .

مسئولیت مدنی عبارت است از تعهد و الزامی که شخص به جبران زیان وارد شده به دیگری دارد، اعم از این که زیان مذکور در اثر عمل شخص مسؤول یا عمل اشخاص وابسته به او و یا ناشی از اشیاء و اموال تحت مالکیت یا تصرف او باشد. در هر موردی که شخص موظف به جبران خسارت دیگری باشد، در برابر او مسئولیت مدنی دارد یا ضامن است.^۱

بخش دوم: رابطه حقوقی بیمار و پزشک

تا زمانی که مشکلی در امر درمان میان پزشک و بیمار حادث نشود، از این رابطه حقوقی و آثار و نتایج آن صحبتی به میان نمی آید و به شیوه متداول، بیمار به یک پزشک مراجعه می نماید و پزشک نیز طبق عرف و عادت اقدامات پزشکی خود را شروع می کند؛ در حالی که بر این انتخاب و مراجعه به پزشک معین و پذیرش درمان و معالجه بیمار از ناحیه پزشک آثار حقوقی و شرایطی حاکم است؛ چراکه در اثر این رفتار متقابل یک قرارداد خصوصی به نام قرارداد درمان منعقد می شود.^۲

بند اول: قرارداد معالجه

عقد یا قرارداد در معنای عمومی و عرفی به معنای توافق دو یا چند نفر (توافق یک یا چند اراده) با هم است برای انجام یک یا چند عمل مشخص و متقابل؛ اعم از مالی و غیر مالی؛ مانند خرید و فروش (بیع) که فروشنده متعهد به دادن یک جنس معین با اوصاف مشخص شده و

^۱- همان.

^۲ - محمد زمان دریاباری، مبانی مسئولیت حرفه ای پزشک، ۸۷/۰۸/۱۴.





خریدار نیز پرداخت مبلغ (ثمن) و ارزش کالا را تعهد می‌کند. در هر قراردادی حداقل دو طرف وجود دارد و برای انعقاد قرارداد رضایت و توافق طرفین شرط لازم و ضروری است. شرایط دیگری هم برای صحیح بودن قرارداد لازم است؛ از جمله مشروعیت و قانونی بودن موضوع معامله و همچنین اهلیت داشتن طرفین برای انعقاد معامله.^۱ در قرارداد درمان یا معالجه دو طرف وجود دارد: پزشک و بیمار. مطابق این قرارداد بیمار با حق انتخاب پزشک معالج خود در شرایط عادی، به پزشک مراجعه می‌نماید و پزشک پس از اخذ رضایت بیمار برای معالجه و بعد از این که نوع بیماری را در حوزه تخصص خود دانست، شروع به معالجه می‌کند. هر چند در عمل تمامی مراحل با یک مراجعه و معاینه و نوشتن نسخه به پایان می‌رسد؛ اما از بعد حقوقی هر عمل و عکس‌العملی آثار و نتایج حقوقی و قانونی خود را دارد و از نظر قانونی یک قرارداد با ضوابط خاص خود حاکم بر روابط پزشک و بیمار می‌شود و این قرارداد تا مرحله پایان درمان یا انصراف بیمار از ادامه معالجه، آثار و نتایج حقوقی خود را به دنبال داشته و پس از تجویز دارو توسط پزشک خاتمه خواهد یافت.

بررسی ماهیت قرارداد معالجه، در تشخیص مسؤلیت یا عدم مسؤلیت پزشکی، در حالتی که میان پزشک و بیمار، رابطه قراردادی وجود ندارد، اهمیت فراوانی دارد. دیدگاه‌های مختلفی در مورد ماهیت قرارداد معالجه وجود دارد که عبارتند از:

قائلین به نظریه اجاره بودن قرارداد معالجه معتقدند که در کلیه مشاغلی که صاحب حرفه، به ارائه خدمات ملتزم می‌شوند قواعد عامه عقد اجاره حاکم است و می‌افزایند قرارداد معالجه مانند قرارداد اجیر خاص است که در مدت معینی که تعهد کرده، برای دیگری کار می‌کند و مستحق اجرت است. به نظر می‌رسد این دیدگاه نادرست باشد. زیرا که در عقد اجاره مدت باید معلوم باشد و گرنه، قرارداد باطل خواهد بود. در حالی که در قرارداد معالجه، مدت درمان نامشخص است. از این رو عقد معالجه، قواعد عامه اجاره حاکم نیست.

^۱ - حمید خلیلی فر، مسؤلیت حقوقی پزشک.

برخی فقهاء از جمله ابن قدامه، معتقدند که قرارداد میان پزشک و بیمار نوعی جعاله است که مجهول بودن عمل یا مدت، در آن امکان پذیر است. ابن قدامه، استدلال آن دسته از افرادی که شرط بهبودی ضمن عقد معالجه را به دلیل مجهول بودن شرط، باطل می دانند. با اتکای به جعاله بودن عقد معالجه، صحیح می داند.

به نظر می رسد که عقد معالجه، جعاله نیز نباشد، زیرا که در عقد جعاله، عامل وقتی مستحق جعل می گردد که متعلق جعاله را تسلیم کرده یا انجام داده باشد (ماده ۵۶۷ قانون مدنی) اما در قرارداد معالجه، پزشک قبل از معالجه، حق العمل خود را دریافت می دارد و بر خلاف قرارداد جعاله حصول نتیجه برای دریافت حق معالجه شرط نیست.

پوتیه، حقوقدان فرانسوی، عقیده داشت که عقد بین پزشک و بیمار عقد وکالت است و هر بیمار واجب است که هدیه ای به پزشک به عنوان حق الوکاله بدهد. ترولونج نیز معتقد بود که امکان توصیف رابطه بین پزشک و بیمار جز با عقد وکالت وجود ندارد. زیرا که پزشک از جانب بیمار، وکیل است که به درمان او پردازد. در پاسخ به آنها لاکاس، با رد وکالت بودن قرارداد معالجه، استدلال کرد که از لحاظ حقوقی وکالت قائم به تفکر نیابت است. حال چگونه ممکن است تصور شود که پزشک، به نیابت از بیمار، وی را معالجه می کند؟ پزشک حرفه خویش را به نام خودش انجام می دهد و در انجام آن، از آزادی کامل برخوردار است. افزون بر این، موکل باید خود بر انجام آنچه که وکالت می دهد، قادر باشد، در حالی که کمتر بیماری یافت می شود که خودش بتواند به درمان خویش، مبادرت نماید.

بند دوم: مسئولیت پزشکی

مسئولیت پزشکی یکی از مسائل اساسی حقوق پزشکی است که در رابطه پزشک و بیمار مطرح می شود. در واقع، رابطه پزشک و بیمار به منزله عقدی است که میان آن دو منعقد گشته و به موجب این رابطه حقوقی، پزشک به عنوان بازیگر فعال این رابطه، در برابر خدمات علمی خود همانگونه که نفعی عاید وی می گردد، واجد تکالیفی است که در ادبیات حقوقی به مسئولیت تعبیر می گردد. بدین سان، زمانی که از «مسئولیت» یاد می شود، مقصود گستره معنایی حقوقی این واژه است که آثار و پیامدهای حقوقی نیز به همراه دارد. در این راستا، پزشک در حیطه تخصص خویش و به اندازه تواناییها و قابلیت های علمی اش، بر وفق نظامات





مقرر وظیفه دارد ضمن عنایت به حفظ اسرار این رابطه و عدم افشای آنها، در درمان و معالجه بیمار همت گمارد و هرگونه «خطا و قصور» از سوی وی، موجب تحقق مسئولیت حقوقی و کیفری خواهد بود. در واقع، زمانی که میان بیمار و پزشک رابطه ای حقوقی برقرار می‌گردد، مسئولیت پزشک در این زمینه تبلور می‌یابد و ضمانت اجرای قصور و خطا در مسئولیت پزشکی ناشی از این رابطه، موجب ظهور و بروز «مسئولیت حقوقی و کیفری» برحسب مورد می‌گردد.^۱

مسئولیت مدنی هنگامی مطرح می‌شود که در نتیجه اعمال پزشکی زیانی متوجه اشخاص حقیقی گردد. این مسئولیت با جبران ضرر و زیان وارد شده قابل جبران است و پزشکان هنگامی که به واسطه قصور پزشکی محکوم شوند، شخصا یا با توجه به این که قبلا خود را در مقابل مسئولیت مدنی بیمه نموده‌اند، از طریق شرکت‌های بیمه نسبت به جبران خسارت اقدام می‌نمایند. یعنی اینکه در این نوع از مسئولیت، جبران ضرر و زیان و صدمات جسمانی وارد به بیمار از طریق پرداخت پول امکان پذیر است. در مسئولیتهای جزایی یا کیفری ضرر و زیان ناشی از اعمال پزشکی متوجه شخص نیست، بلکه جامعه در مقابل اینگونه اعمال متضرر شده است. مثلا صدور گواهی خلاف واقع یا اینکه پزشکی اقدام به عمل سقط جنایی کند و زائو نیز فوت کند که در این حالت فرد هم از نظر جزایی مسئول است و هم در مقابل اولیای دم و بستگان متوفیه مسئولیت مدنی دارد.^۲

بند سوم: موجبات مسئولیت پزشک

موجبات مسئولیت پزشک را اینگونه دسته بندی کرده‌اند:

- ۱- عمد؛ ۲- خطا؛ ۳- مخالفت با اصول حرفه پزشکی؛ ۴- ندانستن اصول حرفه پزشکی؛ ۵- تخلف از اذن بیمار؛ ۶- تخلف از اذن ولی بیمار؛ ۷- فریب؛ ۸- ترک معالجه؛ ۹- معالجات ممنوع؛ ۱۰- افشای اسرار بیماران.

^۱ - تعریف مسئولیت پزشکی، به نقل از سایت:

<http://law-land.ir>

^۲ - فرامرز گودرزی - مهرزاد کیانی، پزشکی قانونی برای دانشجویان رشته حقوق، انتشارات سمت، چاپ هفتم، تهران، ۱۳۸۹، ص ۲۷.

بنابراین موضوع مسئولیت پزشکی بررسی انواع جنایات پزشک، اثبات اینکه آیا این جنایات سبب ایجاد مسئولیت برای او می‌شود یا خیر، بیان چگونگی اثبات آن علیه پزشک و ذکر اثری که بر این اثبات مترتب است، می‌باشد. بعضی دیگر از حقوقدانان مسئولیت پزشک را از اقسام مسئولیت حرفه‌ای می‌دانند و بنابراین نخست باید مسئولیت حرفه‌ای را تعریف کنیم. قبلاً گفته شد که مسئولیت انواع مختلفی دارد، اینک از دیدگاه دیگر ممکن است مسئولیت با توجه به حرفه شخص و در بین صنف خاصی مورد نظر باشد، در این صورت چنانچه فردی از آن حرفه مرتکب اعمالی بر خلاف اخلاق، عرف یا مقررات آن حرفه گردد، با او برخورد می‌شود. به همین ترتیب در حرفه پزشکی مجموعه قواعد و مقرراتی وجود دارد که رعایت آنها از طرف پزشکان لازم است و در صورت تخلف مجازاتهایی بر متخلفین اعمال می‌شود. این مسئولیت را که ناشی از تقصیر انضباطی می‌باشد، مسئولیت حرفه‌ای می‌گویند.

ممکن است فردی مرتکب خطای حرفه‌ای شود که با توجه به نتیجه‌اش مسئولیت جزایی، مسئولیت مدنی یا تنبیه انضباطی برای او در نظر گرفته شود. در مواردی هم امکان دارد که دارای مسئولیت توأم جزایی و مدنی باشد با علاوه بر اینها از نظر انضباطی نیز مسئول شناخته شود.^۱

بند سوم: عناوین مرتبط با حقوق پزشکی

از آنجا که تقریباً تمام مفاد حقوقی، اخلاقی هستند و یا به شکلی، غایت آن‌ها به اخلاق می‌رسد و از طرف دیگر حقوق می‌تواند حامی اخلاق و عامل حفظ آن گردد؛ لذا استفاده بجا و حمایتی از هریک در مقابل دیگری می‌تواند در پیشبرد اهداف کاربردی، موثر باشد.^۲

اخلاق و حقوق ارتباط تنگاتنگ و غیر قابل اجتنابی با هم دارند. برخلاف نظر بعضی از فلاسفه حقوق در باب جدایی قانون از اخلاق، به طور واضحی حقوق رسوب تاریخی اخلاق

^۱ - مسئولیت پزشکی، به نقل از سایت:

<http://andishehaiehoghughi.blogfa.com>

^۲ - امید آسمانی - محمد امامی، حقوق پزشکی و ضمانت اجرایی اخلاق پزشکی، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، شماره های ۲ و ۱ سال پنجم، ۱۳۸۹، ص ۱۹.





است.^۱ اخلاق پزشکی و حقوق پزشکی نیز از جمله مقوله‌هایی اند که از این ارتباط بهره برده و خواهند برد. شناخت صحیح این ارتباط و استفاده بجا از لطافت اخلاق و اجبار حقوق می‌تواند بسیاری از مسائل نو ظهور در حوزه سلامت را که مسائلی حساس اند، مراقبت کند.^۲

مسئولیت اخلاقی عبارتست از مسئولیتی که قانونگذار به بیان و ایجاد آن نپرداخته و به معنی مسئولیت عرفی، اخلاقی و اجتماعی پزشک، از دیدگاه دین و هنجارهای دورنی وی است. در مسئولیت قانونی، انجام فعل و ورود ضرر، شرط تحقق مسئولیت است برخلاف مسئولیت، مسئولیت حقوقی آن است که مواردی در قانون پیش بینی شده و ضمانت اجرای قانونی (کیفری و مدنی) دارد در کیفری و مدنی وجهه مشترک آن نقض قرارداد است و می‌توان آن را از دادگاه درخواست نمود.^۳ یکی از تفاوت‌های مسئولیت اخلاقی و حقوقی، ضمانت اجرای آن دو است. زیرا، هر چند مسئولیت اخلاقی، ضمانت اجرای قواعد اخلاق است، اما اعمال آن در خارج و مطالبه آن از دادگاه غیر ممکن است. به علاوه، ممکن است حدود خصوصیات موضوعات قوانین، با حدود و ویژگی‌های موضوعات اخلاقی متفاوت باشد.^۴

در معنی مسئولیت اخلاقی می‌گویند: «کلکم راع و کلکم مسؤول عن رعیت». در صورتی که مسئولیت قانونی هر نوع مسئولیتی است که در قانون پیش بینی شده و کیفر قانونی برای آن معین شده باشد. این دو نوع

^۱ - ناصر کاتوزیان، جایگاه حقوق اسلامی در نظم حقوقی، ۸۶/۱/۲۷.

<http://hoghoogh85.blogfa.com/post-808.aspx>

^۲ - داوود الهامی، اخلاق و حقوق، مجله مکتب اسلام، شماره ۱۱، ۱۳۷۶.

^۳ - ویکی پدیا دانشنامه آزاد، پیشین.

^۴ - **ضمان پزشک در فقه و حقوق اسلامی**(۱)، به نقل از سایت:

http://www.hoghooghdanan.com/index.php?option=com_content&view=article&id=1769:---1-1-&catid=81:1388-10-28-10-35-13&Itemid=115

مسئولیت با یکدیگر متفاوت می باشد. چرا که مقامات صلاحیت دار قضایی ممکن است فردی را محکوم سازند، در حالی که وجدان او خود را بی گناه بداند؛ برعکس شاید آن مقامات فردی را بی گناه تشخیص دهند، در صورتی که او نزد وجدان خویش خود را گناهکار بشناسد. علت این امر این است که:

اولاً - مسئولیت در مقابل اجرای قوانین مستلزم علم به قانون نیست و هرگاه کسی مرتکب عمل مجرمانه ای شود که قانون آن را منع کرده، اگر جاهل به حکم قانون هم باشد، در مقابل دادگاه مسؤول است.

ثانیاً - مسئولیت به اعمال و افعال تعلق دارند نه به مقاصد و نیات.

ثالثاً - مسئولیت قانونی تنها شامل اعمالی می شود که بطور صریح و آشکار صورت گرفته و جرم کشف شده باشد بنابراین هر عمل زشتی که به صورت پنهانی صورت گیرد؛ در دادگاه قابل تعقیب و بالمآل مجازات نیست.

در صورتی که در مسئولیت اخلاقی:

اولاً - مسئولیت مستلزم علم به قانون اخلاقی است؛

ثانیاً - نیت شرط عمده مسئولیت اخلاقی است چنانچه می گویند «الاعمال بالنیات»؛

ثالثاً - مسئولیت اخلاقی بر کلیه اعمال از آشکار و پنهان تعلق می گیرد؛

رابعاً - مسئولیت اخلاقی به دنبال خود مکافات اخلاقی دارد و آن عبارت است از رضایت خاطر یا پشیمانی یا ندامتی که بر اثر اطاعت امر وجدان یعنی اجرای تکلیف یا تخلفی از آن به انسان دست می دهد.^۱

بند چهارم: تاثیر فقه بر علم حقوق

سابقه ۱۴۰۰ ساله ارتباط حقوق با فقه اسلام، رابطه قهری فقه و حقوق را در بلاد اسلامی توجیه می کند؛ هر چند که طبع حقوق جدید بسیاری از مباحث موجود در کتب فقهی را قبول

^۱ - همان.





نمی‌کند اما بسیاری از مسایل طرح شده در فقه که از عرف و عادات الهام می‌گیرند، می‌تواند نهال حقوق جدید را بارور نمایند و در غنی ساختن حقوق جدید سهم به سزا داشته باشند.^۱

حقوق اسلامی از دیرباز یکی از منابع مهم نظم حقوقی در ایران بوده است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، قانون اساسی جمهوری اسلامی به طور رسمی حقوقی اسلامی را به صحنه زندگی آورد و سایر نهادهای حقوقی را در خدمت این آرمان قرارداد (اصل چهارم قانون اساسی). به علاوه، اصل ۱۶۷ قانون اساسی حقوق اسلامی را در زمره منابع رسمی و تکمیل کننده قوانین آورد و قاضی را موظف به اجرای آن ساخت. بدین ترتیب، حقوق اسلامی نه تنها معیار وضع قانونی عادلانه است، نظام حقوقی کشور را نیز اداره می‌کند، در دادگاه به عنوان متمم قانون مورد استناد قرار می‌گیرد و در زمره منابع حقوقی است. هدف قانون اساسی جمهوری اسلامی این است که اتحاد حقوقی و مذهب را تحقق بخشد.^۲

بند پنجم: پزشکی از منظر اسلام

پزشکی یک وظیفه‌ای شرعی محسوب می‌شود و واجب کفایی است. همه از ترکش مجازات می‌شوند و با عمل بعضی به آن، از دیگران ساقط می‌گردد.^۳

علاوه بر اینکه پزشکی یک مسئولیت دینی است، یک ضرورت اجتماعی و انسانی و رسالت اخلاقی و مسئولیت عقلی نیز می‌باشد.

• اجرت پزشک: از نظر اسلام، پزشکی حرفه‌ای نیست که به وسیله آن ثروت اندوزی کرد و به خاکستر دنیا دست یافت. بلکه رسالتی است انسانی و مسئولیتی شرعی در درجه اول است، چون هر حرفه‌ای که صاحبش قصد دارد از آن به پول برسد، مختار است که با این یا آن

^۱ - حقوق اسلام (فقه)، به نقل از سایت:

http://www.hoghoogh-danan.com/index.php?option=com_content&view=category&id=48&Itemid=61

^۲ - ناصر کاتوزیان، جایگاه حقوق اسلامی در نظم حقوقی.

^۳ - احکام اسلام درباره مسئولیت پزشکی، به نقل از سایت:

<http://www.sibtayn.com> :

معامله کند، اگر قانع شود که این معامله‌اش او را به پول قانع کننده‌ای می‌رساند. واگر دریافت که این معامله نمی‌تواند گرسنگی و احتیاجش را برآورده سازد، می‌تواند با او معامله نکند. قطعاً این‌ها شامل حال پزشک نمی‌شود، چون کسی که از درمان مجروحی دست بکشد - همانطور که قبلاً ذکر شد - قطعاً شریک زخم زنده است. و برای گرفتن مزد یا زیادی آن یا به هر علتی دیگر، حق آن را ندارد که در درمان تعلل کند.

آنچه ذکر کردیم به معنای این نیست که پزشک اصلاً نباید مزد خود را بگیرد، چون در این صورت بیشتر پزشکان سربار دیگران خواهند بود و دیگر این که باعث می‌شود بیشتر مردم به فراگیری این علم روی نیاورند. جدای از نبوغ و ابداع که در آن به وجود نمی‌آورند، در نهایت انسانیت را از یک عنصری مهم، بلکه می‌توان گفت از مهمترین عناصر آسایش و سعادت بخش انسانیت و پیش برنده آن به پله‌های مختلف کمال و عظمت، محروم خواهد کرد. برای همین می‌بینیم امام حسن عسکری (علیه‌السلام) به پزشکی که حضرت نزد او حجامت کرده بود، یک کمد لباس و پنجاه دینار می‌دهد.

• زندانی ساختن پزشکان نادان: از امام علی (علیه‌السلام) نقل شده است که فرمودند: «بر امام واجب است دانشمندان فاسد و پزشکان نادان را زندانی نماید.» بلکه واجب است، زیرا اشتغال نادان در امر پزشکی، بیشتر به افزایش درد و رنج‌های مریض منجر می‌شود و آسایش و آینده‌اش را (اگر نگوئی زندگی بسیاری را) به خطرات زیادی می‌کشاند. و همان‌طور که علمای فاسد، دین را به فساد می‌کشاند، پزشکان نادان نیز بدن‌ها را فاسد می‌کنند و آسایش و سعادت انسان را در دنیا می‌ربایند، پس جلوگیری از آنان و ایستادگی در مقابل آنان با تمام قدرت، واجب است.

• ضمانت پزشک نادان: علاوه بر آنچه گفته شد، اگر نادانان به مداوای مریض بپردازند و آنچه را باید اصلاح کنند، فاسد نمایند، عقلاً، عرفاً و شرعاً مسؤولند. بنا به قاعده ضمانت بر هر تلف شده‌ای که اگر این کار منجر به مرگ شد، همانطور که معلوم است، باید دیه خطا را ضمانت کرد. و این امر بین فقها (بدون خلاف در آن) متداول است، بلکه در تنقیح آمده است:



«پزشکی که دانش کمی دارد، به اجماع فقها ضامن فساد در درمان خود است.» در این امر، علمای غیر شیعه اهل بیت (علیهم السلام) نیز به طور اجماع بر آن متفق القولند.

اگر کسی به پزشکی آگاه باشد و در ادای کاری که بر عهده اوست کوتاهی کند، افزون بر مسئولیت شرعی، چه براءت از مریض یا ویش گرفته باشد یا نگرفته باشد، ضامن است و اگر پزشک در انجام وظیفه اش کوتاهی نکند و پزشک با هوش و ماهری باشد و به سبب او مریض تلف شود یا یکی از اعضای بدنش از کار بیفتد، اگر مریض کوچک یا دیوانه باشد و پزشک از ولی امرش اجازه گرفته باشد، یا مریض بالغ باشد و پزشک از او اجازه براءت از ضمانت گرفته باشد، در این صورت او ضامن نیست. از ابی عبدالله روایت شده است که فرمودند: «امیرمؤمنان علی (علیه السلام) فرمود: کسی که به پزشکی یا دامپزشکی اشتغال یافت، باید از ولی اجازه بگیرد و گر نه او ضامن است.» البته ضعف این روایت به خاطر عمل مشهور، جبران شده است، بلکه ادعای اجماع بر این روایت شده است و این به معنای براءت قبل از اثبات حق نیست، بلکه این به معنای اجازه گرفتن در چیزی تلقی می شود که اقتضا می کند عدم اثبات حق را، علاوه بر این که اگر اجازه داده نشود، پزشک به درمان مریض اقدام نمی کند.^۱

بند ششم: تفاوت حقوق و مذهب

منشأ قوانین مذهبی احکام الهی است:

فقه امامیه از چهار منبع قران و سنت و اجماع و عقل سرچشمه می گیرد، ولی منبع اصلی حقوق قانون است و دادرس باید در مرحله نخست به متن و مفاد قوانین پای بند باشد. با وجود این در جایی که قانون ناقص یا مجمل است، دادگاه می تواند به طور مستقیم به قواعد مذهبی استناد کند. وانگهی، چون مجلس شورا نباید قانونی برخلاف احکام مذهب امامیه وضع کند (اصل ۷۲ قانون اساسی) و فرض این است که قوه مقننه این دستور را به کار بندد و هیچ گاه از قواعد مسلم این مذهب تجاوز نمی کند، در مواردی که قانون هیچ حکمی ندارد و از مواد موجود در قانون نیز نمی توان استنباط دیگری کرد، دادرس اختیار دارد و باید قواعد مذهبی

^۱ - همان.



را به عنوان روح قانون مورد استناد قرار دهد. قانون از عقل ناقص بشری سرچشمه می گیرد: به همین جهت نمی تواند به پایداری احکام شرع باشد. وانگهی، از دیدگاه مذهبی، اجتماع باید خود را متناسب با قواعد الهی سازد؛ در حالی که حقوق یا بخش مهمی از آن نتیجه اوضاع اجتماعی ملت هاست و قانونگذار عاقل و دلسوز آن است که در دستور های خود نیازمندی های کنونی جامعه را هرچه بیشتر مراعات کند. به بیان دیگر، با اینکه حقوق های مذهبی یکسره تابع ضرورت های اجتماعی نمی شود و تنها در چهارچوب معینی امکان تحول و تغییر دارد، چون شیوه زندگی دایم در حال دگرگونی است، قواعد حاکم بر آن نیز خواه و ناخواه تغییر می یابد. حقوق نقش هدایت کننده خود را از دست نمی دهد، ولی از حرکت نیز باز نمی ایستد و اجتهادهای نو بستر این حرکت را در میان امور مباح شرعی و « حوادث واقعه » می گشاید.^۱

بخش سوم: بررسی و موشکافی جرایم خاص پزشکی

بند اول: صدمات ناشی از اعمال پزشکی

پزشکان و صاحبان حرف پزشکی معالج که دارای اجازه طبابت می باشند، در صورت رعایت عدم موازین علمی و فنی و نظامات دولتی (بطور جمع و یا هر یک از آنها بطور جداگانه) برحسب میزان و درصد سهل انگاری و یا قصور انجام شده، مسوول پرداخت خون بهای بیمار یا دیه او خواهند بود. هر نوع درمان و عمل جراحی مشروع که با انگیزه شفای بیمار و با رعایت موارد فوق الذکر انجام گردد و قبل از آن رضایت بیمار و یا اولیای وی اخذ شده باشد و هیچ گونه بی احتیاطی و بی مبالاتی انجام نگیرد. به استناد بند دوم ماده ۵۹ و ماده ۶۰ و ماده ۳۲۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ که قانون گذار رضایت بیمار و یا اولیای وی را شرط صحت عمل پزشک و یا جراح دانسته است با اخذ اذن و برائت نامه از بیماران و یا اولیای آنها در مورد غیراورژانسی، پزشکان را بری الذمه خواهد نمود مسلم است که اگر پزشک و یا جراح از اخذ رضایت نامه مذکور که بایستی آگاهانه (Informed consent)

^۱ - ناصر کاتوزیان، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، ص ۶۴.



نیز باشد امتناع ورزد، عملش واجد وصف مجرمانه بوده و از نظر قانونی قابل تعقیب و مجازات می‌باشد. علاوه بر موارد قانونی فوق‌الذکر از بند سوم ماده ۴۲ قانون مجازات عمومی اصلاحی سال ۱۳۵۲ نیز می‌توان استنباط کرد که هر نوع عمل جراحی یا طبی که با رضایت صاحبان حق و با رعایت نظامات دولتی انجام شود فاقد وصف مجرمانه خواهد بود و بدین ترتیب نه تنها پزشک مسوولیت کیفری نخواهد داشت، بلکه مسوولیت مدنی نیز منتفی خواهد بود.^۱

بند دوم: قتل ترحم آمیز

در فرهنگ فارسی از تانازی یا مرگ شیرین سخنی به میان نیامده است ولی در فرهنگ انگلیسی به فارسی به معانی مرگ آسان، مرگ یا قتل کسانی که دچار مرض سخت و لاعلاج‌اند برای تخفیف درد آنها بکار رفته است و از تانازی در نوشته‌های فارسی اکنون به معنای بیمار کشی طبی یا سریع در مرگ محتضر و در مواردی هم به معنای مرگ آرام و آسان به کار برده می‌شود به هر حال آتانازی به معنی مرگ شیرین، مرگ خوب، مرگ مطلوب، قتل ناشی از ترحم... مورد استفاده قرار می‌گیرد.^۲

- آتانازی چیست؟

واژه آتانازی که ریشه آن از اصطلاح یونانی (Euthanasia) به معنای خوب و راحت و thanasia به معنای مرگ گرفته شده است و در معنای تحت‌اللفظی به معنای مرگ خوب یا مرگ راحت می‌باشد آتانازی یک اصطلاح عمومی است که بر اساس زمینه مورد استفاده معنای مختلفی را می‌توان از آن استنباط نمود، از نظر لغوی این واژه بیانگر عملی است که در آن مرگ بیمار به شیوه‌ای صورت می‌گیرد که کمترین میزان رنج و عذاب را برایش به همراه داشته باشد بنابراین آتانازی انواع مختلفی دارد.^۱

^۱ - شهریار اسلامی تبار، حقوق پزشکی (Medica Law) رضایت نامه بیمار (Consent) قسمت سوم؛ طب و تزکیه؛ تابستان ۱۳۸۰، ص ۴۱.

^۲ - مسعود مظاهر تهرانی، حق مرگ در حقوق کیفری، نشر هستی نما، تهران، ۱۳۸۶، ص ۱۳.

^۱ - شهریار اسلامی تبار- محمد رضا الهی منش ، مسائل اخلاقی و حقوقی قتل ترحم آمیز، انتشارات مجد ،تهران، ۱۳۸۶، ص ۱۱.

- انواع آتانازی

- ۱ - آتانازی داوطلبانه: به مواردی اطلاق می‌شود که فرد از دیگری می‌خواهد تا او را به کام مرگ بفرستد یا در این راه به او کمک کند.
- ۲ - غیر داوطلبانه: به مواردی اطلاق می‌شود که آتانازی بدون اعلام رضایت و نظر فرد یا بیمار انجام می‌شود وقتی خود فرد قادر به تصمیم‌گیری نباشد خانواده یا خویشان در مورد قطع درمان‌هایی که به بهبود وضع بیمار کمکی نمی‌کند تصمیم‌گیری می‌کنند.
- ۳ - مستقیم: به مواردی اطلاق می‌شود که اقدام خاصی برای پایان‌دادن به زندگی بیمار صورت گیرد.
- ۴ - آتانازی غیر مستقیم: به مواردی اطلاق می‌شود که درمان‌ها و یا دستگاه‌های حیاتی مراقبت از بیمار در شرایطی که هیچ کمکی به بهبود وضعیت بیمار نمی‌کند کنار گذاشته می‌شوند.^۱

بند سوم: صدور گواهی خلاف واقع پزشکی

یکی از وظایف روزمره پزشکان در ارتباط با حرفه خود، این است که بنابه تقاضای بیمار خود، اقدام به صدور گواهی در خصوص وضعیت سلامت، بیماری یا نقص عضو او بنماید. برخی بیماریها و نواقصی که افراد به آن مبتلا هستند، موجب می‌گردد تا از انجام وظایف و تکالیفی که قانوناً بر عهده آنان است بتوانند معاف گردند. بنابراین بیمار حق دارد از پزشک خود گواهی بخواهد و پزشک هم باید به درخواست بیمار جواب مساعد داده و گواهی لازم را براساس واقعیت صادر نماید. متأسفانه یکی از روش‌های غیراخلاقی برای فرار از انجام تکالیف قانونی، تمسک به عذر بیماری است. فرد متخلف برای رسیدن به مقصود سوء خود شخصاً اقدام به جعل گواهی نامه به نام پزشک برای خود می‌نماید یا اینکه با مراجعه به پزشک او را راضی به صدور چنین گواهی نامه‌ای می‌نماید. این نوع گواهی‌های خلاف به

^۱- همان.





جهت آثار سوئی که دارند و ممکن است موجب ضرر و زیان دولت یا اشخاص حقیقی یا حقوقی دیگر گردند، جرم شناخته می‌شوند.

ماده ۵۳۸ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «هرکس شخصا» یا توسط دیگری برای معافیت خود یا شخص دیگری از خدمت دولت یا نظام وظیفه یا برای تقدیم به دادگاه گواهی پزشکی به اسم طبیب جعل کند به حبس از شش ماه تا یک سال یا سه تا شش میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.»

موارد مذکور در ماده فوق، از مهمترین و شایع‌ترین دلالتی است که فردی برای اخذ گواهی خلاف واقع به پزشک مراجعه می‌نماید. بدین لحاظ است که قانون‌گذار برای جلوگیری از صدور چنین گواهی‌هایی که نتیجه آنها ممکن است ایراد خسارت به دولت یا اخلال در امور باشد، علاوه بر ماده ۵۳۸، ارتکاب آن را توسط پزشکان بطور مستقل پیش‌بینی و مجازات شدیدتری را برای آنان در نظر گرفته است. مطابق ماده ۵۳۹ قانون مجازات اسلامی: «هرگاه طبیب تصدیق‌نامه برخلاف واقع درباره شخصی برای معافیت از خدمت در ادارات رسمی یا نظام وظیفه یا برای تقدیم به مراجع قضائی بدهد به حبس از شش ماه تا دو سال یا به سه تا دوازده میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.»

جرم صدور گواهی خلاف واقع توسط پزشک، به جرم شهادت کذب شباهت دارد. اما این جرم در فصل پنجم کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی تحت عنوان «جعل و تزویر» آورده شده است. جرم صدور گواهی خلاف واقع توسط پزشک در واقع از انواع جعل معنوی می‌باشد.^۱

بند چهارم: خودداری از کمک به مصدومین

کمک کردن به دیگران بیش از آنکه واجد جنبه حقوقی و قانونی باشد، دارای جنبه اخلاقی است و انسانها مکلف‌اند در هر حال به هم نوع خود کمک کنند، زیرا طبع زندگی اجتماعی چنین امری را می‌طلبد. برای احراز یک جرم وجود سه رکن، (قانونی - مادی - معنوی) بسیار ضروری است، چراکه در صورت مخدوش بودن هر یک از این سه رکن،

^۱ - قوانین صدور گواهی‌های پزشکی، به نقل از سایت:

جرمی صورت پذیرفته است و فرد را نمیتوان مجرم قلمداد کرد. رکن قانونی: ماده واحده قانون مجازات خودداری از کمک به مصدومین و رفع مخاطرات جانی مصوب ۱۳۵۴/۳/۵.

رکن مادی: الف) قراردادن اشخاص در معرض خطر جانی، ب) استمداد مصدوم و یا وجود ضرورت کمک، ج) عدم توجه خطر نسبت به کمک کننده و دیگران
رکن معنوی یا روانی: جرم خودداری از کمک به مصدومین از جرایم عمدی است. بنابراین مرتکب باید عالماً و عامداً "مرتکب جرم مذکور گردد.
نکته ای که در این خصوص قابل توجه است اینکه، صرف خودداری از کمک به شخص مصدوم جرم بوده و قابل مجازات می باشد و نیازی به حصول نتیجه مجرمانه، یعنی فعلیت یافتن خطر جانی بر روی فرد نیاز مند کمک، نیست، که ممکن است فوت و یا آثار غیرقابل جبران دیگری باشد.

- مجازات جرم خودداری از کمک به مصدومین برای پزشکان
اگر مرتکب، از افرادی باشد که به اقتضای حرفه خود بتواند، کمک موثری نماید، اما از انجام آن خودداری کند، همانند پزشکی که شاهد وقوع تصادفی باشد اما از کمک نمودن به مصدوم یا مصدومان خودداری کند، مجازات حبس از سه ماه تا دو سال یا جزای نقدی از ده هزار ریال تا یکصد هزار ریال تعیین شده است. (برای احراز و انتساب این اتهام به پزشکان، جلب نظر شورای انتظامی پزشکی ضروری است).

هرگاه کسانی، حسب وظیفه یا قانون مکلف به کمک نمودن به اشخاص آسیب دیده و یا اشخاصی که در معرض خطر جانی قرار دارند، باشند، اما از انجام چنین کاری خودداری نمایند، به مجازات حبس از شش ماه تا سه سال محکوم میگردند. به عنوان مثال، چنانچه پزشک اورژانس بیمارستان از کمک نمودن به بیمار اورژانسی امتناع نماید، به مجازات مذکور محکوم خواهد شد.^۱

^۱ - خودداری از کمک به مصدومین، به نقل از سایت:



بند پنجم: تخلفات انتظامی پزشکی

مسئولیت انتظامی پزشک پزشکان ملزم به نظامات طبی و پرهیز از امور خلاف شأن و حیثیت پزشکی می باشند. ماده ۱۴ آیین نامه انتظامی رسیدگی به تخلفات صنفی و حرفه ای شاغلان حرفه های پزشکی و وابسته می گوید: «جذب بیمار، به صورتی که مخالف شئون پزشکی باشد؛ همچنین، هر نوع تبلیغ گمراه کننده از طریق رسانه های گروهی و نصب آگهی در اماکن و معابر، خارج از ضوابط نظام پزشکی، ممنوع است. تبلیغ تجاری کالاهای پزشکی و دارویی، از سوی شاغلان حرفه های پزشکی، همچنین نصب علامات تبلیغی که جنبه تجاری دارند در محل کار آنها، مجاز نیست.» انجام امور خلاف شأن پزشکی و ارتکاب اعمالی که براساس ماده ۳ قانون مذکور، موجب هتک حرمت جامعه پزشکی می گردد، ممنوع است. همچنین براساس ماده ۷ همین قانون تحمیل مخارج غیر ضروری به بیماران ممنوع است و ایجاد رعب و هراس در بیمار با وخیم جلوه دادن بیماری، موجب مسئولیت انتظامی می گردد. ماده ۳ قانون مذکور، مجازاتهای انتظامی را برشمرده است که عبارتند از:

الف - تذکر یا تویخ شفاهی در حضور هیأت مدیره نظام پزشکی محل. ب - اخطار یا تویخ کتبی با درج در پرونده نظام پزشکی محل. ج - تویخ کتبی با درج در پرونده نظام پزشکی و نشریه نظام پزشکی محل یا الصاق رأی در تابلوی اعلانات نظام پزشکی محل. د - محرومیت از اشتغال به حرفه های پزشکی و وابسته از سه ماه تا یکسال در محل ارتکاب تخلف. ه - محرومیت از اشتغال به حرفه های پزشکی و وابسته از سه ماه تا یکسال در تمام کشور. و - محرومیت از اشتغال به حرفه های پزشکی و وابسته از یکسال تا پنج سال در تمام کشور. ز - محرومیت دائم از اشتغال به حرفه های پزشکی و وابسته در تمام کشور. لازم به ذکر است که محکومیت های بندهای «الف»، «ب» و «ج» قابل تبدیل به جزای نقدی از پانصد هزار تا دو میلیون ریال است. بدیهی است که پرداخت این وجوه را نیز بیمه نامه های مسئولیت حرفه ای پزشکان تحت پوشش قرار نمی دهند.^۱

^۱ - محمد زمان دریاباری، مسئولیت کیفری و انتظامی پزشک در نظام حقوقی ایران، ۱۳۸۷/۷/۹.



نتیجه گیری

در فرهنگ فارسی معین مسئولیت این چنین تعریف شده است: «مسئولیت به معنی موظف بودن به انجام دادن امری است.» پس مسئول کسی است که تعهدی در قبال دیگری به عهده دارد که اگر از ادای آن سرباز بزند از او بازخواست می شود. حقوقدانان مسئولیت جزایی را این چنین تعریف کرده اند:

«مسئولیت جزایی: مسئولیت مرتکب جرمی از جرائم مصرع در قانون را گویند و شخص مسئول به یکی از مجازات های مقرر در قانون خواهد رسید. متضرر از جرم، اجتماع است بر خلاف مسئولیت مدنی که متضرر از عمل مسئول، افراد می باشند در مورد مسئولیت کیفری اسقاط حق به صلح و سازش مسیر نیست (بر خلاف مورد مسئولیت مدنی) و در مسئولیت جزایی علی الاصول عمد (یعنی قصد نتیجه) شرط تحقق جرم و مسئولیت است بر خلاف مسئولیت مدنی که در قانون ما حتی وجود خطا و مسامحه و اهمال هم شرط آن نیست. اصطلاح مسئولیت جزایی در مقابل مسئولیت مدنی قرار می گیرد.^۱ در حقوق پزشکی نیز مسئولیت به بخش کیفری و مدنی تقسیم می گردد. در قوانین جزایی و مدنی ایران برای هر یک از این دو قسم ضمانت اجراهایی در نظر گرفته شده است. البته در گذشته این قوانین و ضمانت اجراهای آن ها بسیار ابتدایی و ساده و محدود بودند و اینطور به نظر می رسد که پشتوانه شکل گیری بیشتر این قوانین اخلاق پزشکی بوده است. اما در گذر زمان از آن جا حقوق رسوب اخلاق در گذر زمان است این قوانین و ضمانت اجراها وسعت و شمول بیشتری پیدا کردند. حقوق و اخلاق، با وجود همبستگی و ارتباط کامل، مفهومی یگانه نیست که با دو نام آورده می شود؛ دو مفهوم جداگانه است که از پاره ای جهات با هم تفاوت دارد و همین تفاوت هاست که لزوم وضع قوانین را در کنار قواعد اخلاقی نشان می دهد.^۱ در ایران پس از ورود اسلام، به خصوص پس از پیروزی انقلاب اسلامی فقه و قوانین مذهبی نقش به سزایی در شکل

^۱ - پروژه درسی - پایان نامه (مسئولیت)، به نقل از سایت:

<http://poroje65.blogfa.com/page/masuliat1.aspx>

^۱ - ناصر کاتوزیان، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، ص ۶۰.



گیری قوانین ایفا می کنند. مذهب یکی از مهم ترین نیروهای سازنده حقوق است . حتی در کشورهای که حکومت مذهب رسمی ندارد و حقوق را به کلی از مذهب جدا ساخته اند ، اثر عقاید مذهبی را در تدوین و اجرای قانون انکار نمی کنند.

Archive of SID

۲۵۸



فصلنامه علمی - حقوقی قانون‌یار - دوره دوم - شماره ششم - تابستان ۱۳۹۷

منابع و ماخذ

۱. اسلامی تبار، شهریار، محمد رضا الهی منش، مسائل اخلاقی و حقوقی قتل ترحم آمیز، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۶
۲. یاد، ابراهیم؛ حقوق کیفری اختصاصی، جلد اول، چاپ سوم: تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۲
۳. جعفری لنگرودر، محمد جعفر؛ ترمینولوژی حقوق، چاپ اول: تهران، انتشارات گنج دانش، این سینا، ۱۳۴۶
۴. عمید، حسن؛ فرهنگ عمید، چاپ یازدهم: تهران، انتشارات جاویدان، ۱۳۷۵
۵. کاتوزیان، ناصر؛ مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، چاپ شصت و هشتم: تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۷
۶. گودرزی، فرامرز، و مهرزاد کیانی، پزشکی قانونی برای دانشجویان رشته حقوق، چاپ هفتم: تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۹
۷. مظاهر تهرانی، مسعود؛ حق مرگ در حقوق کیفری، تهران، نشر هستی نما، ۱۳۹۲

